

اسید پاشی بر چهره زنان در اصفهان،



تلاشی برای تشدید اختناق در کل جامعه!

در آخرین روز مهرماه، در اعتراض به چندین مورد اسید پاشی به چهره زنان در اصفهان که منجر به نقص عضو وحشتناک و غیر قابل ترمیم چند تن از زنان بی گناه و مرگ دو تن از آن‌ها گشته، هزاران تن از مردم دلیر اصفهان مبادرت به تجمعات اعتراضی در مقابل استانداری این شهر نمودند. هم چنین در تهران در اعتراض به این جنایت وحشتناک، زنان و مردان مبارز در جلوی مجلس شورای اسلامی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات پس از آن اتفاق افتاد که ظرف یک هفته اخیر در جریان یک سری حملات سیستماتیک جنایتکارانه از طرف تبهکاران موتور سوار اسید پاش، ۱۶ تن از زنان اصفهانی یا در ماشین‌های خود و یا در خیابان‌ها مورد تعرض با اسید قرار گرفته و به شدت مجروح شدند.

زنان و مردان خشمگین چه در اصفهان و چه در تهران که آمران جنایت فاجعه بار اسید پاشی که جز رژیم سرپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی نیست را به خوبی می‌شناسند، تعلل و واکنش‌های آگاهانه مقامات دولت روحانی در عدم پیگیری این جنایات ننگین را به عاملی برای اعتراضات خیابانی خود تبدیل کرده و با شعارهایی نظیر "مرگ بر داعش"، "این سکوت، حمایت از داعش است"، "امنیت، آزادی، حق مسلم ماست"، "اسید پاشی جنایت، قانونگذار حمایت"، "حجاب به زور نمی‌شه، ایران، عراق نمی‌شه"، "زاینده رود خشک شده، اسید پاشی مد شده"، "نگ ماست ننگ ماست، مجلس شورای ما"، "دادستان حیا کن، صندلیتو رها کن"، "مادرم، انتقام تو را خواهیم گرفت"، "قتل‌های زنجیره ای، مساوی اسید پاشی زنجیره ای"، "آزادی، امنیت، حق زن ایرانی" و ... نفرت خویش را از داعش سی و پنج ساله حاکم بر ایران ابراز نمودند. در جریان این اعتراضات آن‌ها کوشیدند تا با تبدیل تجمع به یک راهپیمایی، این تظاهرات ضد حکومتی را به یک حرکت هر چه گسترده تر گسترش دهند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم که سرکوب، عمده ترین عامل بقای اوست، وحشیانه به صفوف معترضین حمله برده و با ضرب و شتم تظاهر کنندگان، تعدادی از آن‌ها را نیز دستگیر کردند.

بدنبال این اعتراضات که بیانگر عمق خشم و نفرت توده‌ها نسبت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و شرایط اسارتبار و طاقت فرسائی است که این رژیم مدافع و حامی سرمایه داران بر جامعه تحت سلطه ما حاکم کرده است، مقامات حيله گر جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری به صحنه آمده و با دستپاچگی کوشیده اند تا با زبان بازی و ظاهراً اعلام همدردی با مردم، نقش جمهوری اسلامی در این جنایت سیستماتیک (که در اذهان عمومی یاد آور پرونده "قتل‌های زنجیره ای" دهه ۷۰ است) را لاپوشانی کنند و رژیم تبهکار و سرکوبگر حاکم را از این جنایات مبری نشان دهند. البته آنان تا کنون سخنان ضد و نقیضی را به مردم تحویل داده اند: ابتدا با بیشرمی تمام ادعا کردند که اسید پاشی‌های اصفهان، اقدام "یک نفر" بوده که با انگیزه "اختلاف شخصی" صورت گرفته است؛ و گویا این جنایات، کاری "سازمان یافته و گروهی" نبوده و از طرف "هیچ گروه خاصی" هم صورت نگرفته و این رسانه‌ها هستند که در پخش اخبار این جنایات "بزرگ نمایی" کرده اند و مردم نباید این "شایعات" از سوی "رسانه‌های خارجی" را "باور" کنند! (از اظهارات معاون سیاسی - امنیتی استان اصفهان، رسول یاحی و معاون انتظامی وزیر کشور پاسدار حسین ذوالفقاری). اما، با مشاهده عمق نفرت و خشم مردم و به ویژه زنان، مقامات دیگری از حکومت جلو آمده و "اسید پاشان را با سرویس‌های اطلاعاتی (خارجی) در ارتباط" دانستند. (عضو کمیسیون امنیت ملی، عباسعلی منصوری ارانی). همه این مزدوران

حکومتی در جریان اظهار نظر های خود هم چنین راجع به "جو ملتبه جامعه" هشدار داده و تظاهر کنندگان را "تهدید" کردند که با تجمعات اعتراضی فضای جامعه را "ملتبه" نسازند. این دروغ های آشکار و تناقض گویی های باطل در شرایطی ست که همه می دانند مدت کوتاهی قبل از این جنایات، جمهوری اسلامی غرقه در بحران و هراسناک از انفجار دوباره خشم توده ها، در صدد تشدید تعرض سرکوبگرانه جدیدی بر علیه زنان و به این اعتبار، کل آحاد جامعه بر آمده بود.

همه می دانند که دست اندرکاران رژیم اخیراً در صدد تصویب طرح های مربوط به ایجاد محدودیت در اشتغال زنان و یک طرح ضد خلقی دیگر در مجلس دست ساز خود زیر عنوان "قانونی کردن امر به معروف و نهی از منکر"، بودند. آن ها از این طریق می کوشیدند تا اقدامات رذیلانه ای نظیر اسید پاشی های جنایتکارانه مزدوران حزب الله و لباس شخصی های وزارت اطلاعاتی شان بر سر و صورت زنان را با ادعای مبارزه با بی حجابی "قانونی" سازند. درست در پی طرح چنین "قانونی" در مجلس بود که امام جمعه تبهکار اصفهان در اجرای پیشاپیش "قانون امر به معروف و نهی از منکر"، ضمن اخطار به زنان مقاوم اصفهان و تشجیع مزدوران حکومتی مطرح کرده بود که برای "رعایت حجاب" (بخوان سرکوب زنان) باید "چوب تر بالا برود" و از "قوه قهریه" استفاده شود! که این امر خود افشاگر ادعاهای ریاکارانه جمهوری اسلامی در عدم داشتن هیچ گونه نقشی در اسیدپاشی به زنان می باشد.

علاوه بر نشانه های آشکار فوق الذکر که دستان کتیف و جنایتکار جمهوری اسلامی را در ارتکاب به جنایت اخیر در اصفهان بر ملا می سازد، تا آن جا که به اسید پاشی های سیستماتیک اخیر باز می گردد، تمامی شواهد موجود (از جمله فاصله زمانی بین حملات، اعلام رسمی این امر که نوع اسید به کار رفته در این حملات مشترک بوده، عدم تلاش مهاجمین حتی برای پنهان کردن چهره های کتیفشان هنگام حمله به قربانیان و این واقعیت که برخی از قربانیان در زمان تعرض تمامی مقررات ضد خلقی مربوط به حجاب را نیز رعایت کرده بودند) همه و همه نشان می دهند که "اسید پاشی های سریالی"، نه یک اقدام فردی و انتقام جویانه و یا یک جنایت معمولی، بلکه گامی از یک پروژه ضد خلقی جدید می باشد که از سوی نهادهای قدرت و با پشتیبانی آنان برای تعرضی هر چه وحشیانه تر نه صرفاً به زنان بلکه به اعتبار زنان به مثابه نیمی از آحاد جامعه، به منظور سرکوب کل جامعه تحت سلطه ما سازمان یافته است. اتفاقاً مردم هشیار ایران این را در تجربه ۲۵ ساله خود از سلطه دیکتاتوری رژیم حاکم در یافته اند که هر زمان که این رژیم وابسته به امپریالیسم قصد تشدید سرکوب کل آحاد جامعه را داشته است، این کار را از زنان و به نام آنان شروع کرده است. به راستی که چه درست گفته شده که "سرکوب زنان، سرکوب جامعه است"؛ و بیهوده نیست که مردان مبارز در جریان تظاهرات اصفهان و تهران در کنار زنان مبارز قرار داشته و با خشم و نفرتی فزاینده، فریاد اعتراض خود را علیه اقدام جنایتکارانه اخیر ابراز می کردند.

جنایات سیستماتیک اخیر بر علیه زنان در شرایطی اتفاق می افتد که سرمایه داران زالو صفت داخلی و خارجی حاکم بر ایران، هم چنان با یک بحران شدید اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند. بحرانی که کمر توده ها را در زیر بار خویش خم کرده و از سوی دیگر کارگران و توده های ستمدیده و به ویژه میلیون ها تن از زنان کارگر و محروم (این نخستین قربانیان بحران اقتصادی) را هر چه بیشتر به عرصه اعتصاب و اعتراض و مبارزه برای حفظ بقای خود در زیر پنجه های خونین نظام استثمارگرانه حاکم کشیده است. جو جامعه تحت سلطه ما با شواهد آشکار ناشی از احتمال وقوع اعتراضات گسترده و شورش های اجتماعی روبروست. در چنین بستری است که جمهوری ننگ و نفرت و دار و شکنجه جمهوری اسلامی، مرعوب ساختن توده ها با هدف سرکوب و مختنق ساختن فضای جامعه جهت تسهیل کنترل توده ها را در دستور کار خود قرار داده است. "اسید پاشی سریالی"

اخیر در اصفهان نشان می دهد که سردمداران رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در ارتکاب به دناوت و قساوت ، می کوشد گوی سبقت را از فرزندان خلف خود یعنی دار و دسته هایی نظیر "داعش" و "طالبان" نیز بریاید.

تلاش ضد انقلابی حکومت علیه زنان تحت ستم ما با مقاومت زنان و مردان مبارز و با نفرت عمومی کل جامعه روبرو شده است. تظاهرات تهران و اصفهان و خشمی که به اشکال مختلف در کل جامعه ملتهب ما علیه رژیم جمهوری اسلامی زبانه می کشد، نشانه های تداوم مقاومت به حقیقت است که پیمودن مسیر آن سرانجام دیر یا زود لاشه داعشیان مزدور حاکم بر جامعه ما را در جریان یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر به زباله دان تاریخ خواهد انداخت.

مرگ بر رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب!

چریکهای فدایی خلق ایران

اول آبان ۱۳۹۳